

کتاب اقتصاد برای همه

علی سرزعی

فصل هشتم: سیاست تجاری

خلاصه شده توسط امین آرامش



از صفحه ۲۱۷ تا ۲۳۹

این خلاصه، نکاتی است که به نظر من از سایر مطالب کتاب مهمتر بودند و به هیچ وجه شما را از خواندن کل کتاب بی‌نیاز نخواهد کرد و صرفاً می‌تواند به عنوان یادآور بعد از خواندن کتاب مورد استفاده قرار گیرد.

برخی تداعی‌های ذهنی را در پانویس نوشته‌ام.



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

سیاست‌های تجاری ناظر به تعاملات اقتصاد داخلی و بیرونی است. از این رو در ارتباط تنگاتنگ با سیاست ارزی قرار دارد. از سوی دیگر در ارتباط با سیاست صنعتی است و چگونگی رابطه بین صنایع داخلی و بیرونی را تعیین می‌کند. با جهانی شدن اقتصاد، سیاست‌های تجاری نقش زیادی در رشد اقتصادی و رفاه مردم خواهند داشت.

مفاهیم پایه

مبادله کالا و خدمات در حساب سرمایه و مبادله سرمایه در حساب سرمایه منعکس می‌شود. اگر در مبادلت فقط مبادله کالا در نظر گرفته شود، به آن تراز تجاری یا تراز بازرگانی گویند. کسری تراز برای واردات بیشتر از صادرات. مبادله خدمات مثل خدمات حمل و نقل، بانکی، بیمه و توریست و ...، مبادله سرمایه مثل خرید اوراق قرضه و سهام و کالا در کشور دیگر. مازاد تجارت خارجی به عنوان خالص سرمایه‌گذاری خارجی انجام میشود. کسری تراز تجاری به دلیل ورود زیادی سرمایه به آن کشور، دولتها درآمد مازادشان را در آمریکا سرمایه‌گذاری میکنند.

نگرش‌های موجود به تجارت بین‌الملل

تگرش منفی و بازی با حاصل جمع صفر. واردات یک شر ناگزیر که باید محدود به کالاهای سرمایه‌ای، واسطه و مواد اولیه شود. با انقلاب این تفکر بیشتر هم شد و استقلال اقتصادی را زمینه‌ساز استقلال سیاسی مطرح کرد.

نگرش دیگر، تبادل کشورها بر مبنای مزیت نسبی و سود هر دو طرف از این قضیه و بازی با حاصل جمع مثبت.

مزیت مطلق مطرح نیست، مثال به صرفه نبودن تایپ برای یک مدیر ارشد. با این توضیح هرچه مبادلات یک کشور بیشتر باشد بهتر است. البته انتفاع دو طرف لزوما یکسان نیست و هرطرف بسته به میزان فرا یا فرودستی نفع می‌برد. یکی از مهم‌ترین فواید تجارت خارجی این است که کشورها را به سمت مزیت‌های نسبی سوق می‌دهد. حذف صنایع در حقیقت ضررده با باز شدن درهای اقتصاد لزوما امری منفی نیست. اصلاح سیستم با بازخورد از اقتصاد جهانی. اولین مخالف باز شدن درهای اقتصاد، همان صناعی هستند که در آنها مزیت نسبی نداریم. بازی با افکار عمومی با تبلیغ در مورد بیکارشدن.

به نفع مصرف‌کنندگان داخلی هم هست که قدرت لابی مثل تولیدکنندگان ندارند. مثال خودروسازی در ایران و ضرر مردم. وجود سازمان‌های غیردولتی برای حمایت از حق مصرف‌کنندگان. تناقض عجیب در ایران که سازمانی قرار است همزمان منافع هر دو گروه را تامین کند!

محرومیت از ابتکارات و خلاقیتها با بستن درهای اقتصاد. کارکرد انحصارزدایی واردات. نامه مولاعلی در مورد کار بازرگانان که باعث ایجاد آسایش و رفاه‌اند.

جهانی‌شدن

تعبیر عده‌ای در مورد پیوستن با سازمان تجارت جهانی به اسم فروغلتیدن در دام اسکتبار جهانی.

عده معتدل‌تر میگویند جهانی‌سازی بد است و نه جهانی‌شدن. جهانی‌سازی یعنی سوء استفاده کشورهای ثروتمند.

دیدگاه دیگر میگوید این روند طبیعی است. زادوولد زیاد نیروهای کار ارزان در کشورهای در حال توسعه و کمبود سرمایه و بالابودن نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در آنجا به دلیل کم بودن سرمایه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته که انباشت سرمایه دارند.

منفعت دیگر سرمایه‌گذاری در کشورها در حال توسعه برای کشورهای توسعه یافته ایجاد زیرساخت و کاهش هزینه‌های انتقال اجناس به آنجاست. ضمناً معمولاً مالیات آنجا کم است.

البته مسائل دیگری مثل امنیت سرمایه و وجود زیرساخت‌ها هم در سرمایه‌گذاری مهم‌اند که منجر به افزایش سرمایه‌گذاری در آمریکا هم شده. کسری تجارت خارجی آمریکا به دلیل ورود سرمایه زیاد به آن در سالهای گذشته.

روند جهانی شدن طبیعی است و موج سوم آن است. موج اول با رونق کشتی‌ها و کاهش فقر به این دلیل. وقوع جنگ جهانی و سیاست‌های ملی‌گرایانه بیشتر و افزایش مجدد فقر در جهان. موج دوم با بازسازی اروپای بعد از جنگ. در این موج کشورهای در حال توسعه در تجارت کالاهای کارخانه‌ای نقشی نداشتند و صرفاً صادرات مواد اولیه داشتند.

موج سوم از ۱۹۸۰ شروع شد، اما باز هم کشورهای زیادی از کشورهای در حال توسعه از این مسیر جا ماندند. افزایش صادرات محصولات کارخانه‌ای کشورها برزیل و چین و مکزیک و تایلند و شیلی و ... و حرکت سرمایه‌ها به سمت این کشورها. کاهش درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه که وارد این روند نشدند و افزایش فقر در آنها.

موج اول: تبادل کالا و نیروی کار بین چند کشور خاص، ولی تحرک سرمایه نبود. موج دوم: منحصر به کشورهای درگیر جنگ جهانی. موج سوم: تبادل وسیع نیرو کار، سرمایه و کالا و درگیر شدن کشورهای در حال توسعه.

بازندگان جهانی شدن در ایران اولین مخالفان آن هستند، رانت‌جویان.

داستان مالکیت معنوی و امکان افزایش چشمگیر هزینه‌های دارویی در کشورهای در حال توسعه از دیدگاه استیگلیتز.

سیاست‌های تجاری و صنعتی

تکنولوژی و صنعت مهم‌ترین دستاورد دنیای جدید. صنعت مهم‌ترین کلید رشد اقتصادی. رشد صنعتی وابسته در سالهای اخیر با وجود سیاست‌های ضدواردات در ایران: تعرفه‌ها، محدود کردن واردات. بیان دلیل صرفه‌جویی ارزی برای توجیه این سیاست‌ها. مشکلات این سیاست‌ها:

- ۱- این سیاست‌ها ابتدا قرار بوده برای مدت محدود باشد، اما با لابی همیشه تمدید شده. نوزاد باقی ماندن این صنایع در نبود رقابت.
- ۲- سیاست درون‌گرایی منجر به نبود مشتری برای کالاهای صنعتی باکیفیت فرضی تولید داخل در داخل کشور که توسعه نیافته است میشود. با بسته بودن درهای اقتصاد، مزیت صرفه به مقیاس کم میشود. چین برای شش میلیارد تولید میکند. صرفه نداشتن کارهای تولید و رونق کارهای واسطه‌ای. ضعف کیفیت محصولات صنعتی به دلیل نبود درآمد بالا در آن. در کل قرارگیری در یک حلقه بسته منجر به افول.
- ۳- اعمال محدودیت مقداری در واردات همواره با رانت و فساد همراه است. سود زیاد واردکنندگان. رشوه و رابطه‌گرایی. تجربه نشان داده در چنین کشورهایی تعداد کشورهای ثبت شده در پایتخت به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش می‌یابد چون پایگاهی برای فعالیت‌های رانت‌جویی با نزدیکی به مراکز قدرت است. سه عامل: ارز ارزان، وام ارزان و محدودیت وارد عوامل اصلی اقتصاد رانتی هستند.
- ۴- افزایش قاچاق و تبعات آن و محروم شدن دولت از درآمدهای گمرکی.

۵- واقعیت اقتصاد با این سیاست‌ها تغییر نکرده و تقاضا برای محصولات باکیفیت خارجی بالاست. احتمال کم‌نمایی صادرکنندگان برای بدست آوردن ارز و سود از محل واردات کالاهای غیرمجاز. با وجود همه اینها این سیاستها میتواند در مراحل اولیه توسعه به صورت محدود استفاده شود و مفید هم باشد. یک راه حصول به بنگاه‌های صنعتی با توان کار در مقیاس جهانی همکاری با شرکتهای بزرگ و صاحب‌نام جهانی است. انتقال تکنولوژی و مهم-تر از آن مهارت مدیریتی به داخل و یادگیری حین عمل. البته چگونگی حرکت به سمت برون‌گرایی هم بسیار مهم است و نباید انتظار داشت با حذف ناگهانی حمایت‌ها و بازکردن درهای تجارت، بتوان یک‌باره به صنعتی شدن رسید. در کشورهای درحال توسعه معمولاً بازارهای مالی توسعه‌یافته نیست و وجود آنها لازمه توسعه اقتصادی است. باعث میشود صنایع نتوانند رقابت کنند. تجربه خوب حمایت مشروط کشورهای جنوب شرق آسیا از صادرات. اگر بعد زمانی مشخص میشد آن صنعت رشد نکرده، حمایت قطع میشد. عرصه بین الملل تکانه‌های زیادی دارد و ممکن است شرکتهای نوپای کشورهای توسعه یافته توان مقاومت را نداشته باشند و در ابتدا نیاز به حمایت دولتها دارند. تعیین رشد صادرات به عنوان شرط تداوم حمایت، سیاست مدبرانه‌ای است. اگر محقق شود دولت مجبور نیست همیشه آن حمایت را ادامه دهد. راهبرد توسعه صادرات توانسته زمینه‌ساز صنعتی‌شدن و توسعه‌یافتگی کشورها جنوب شرقی آسیا را فراهم کند.

